



# آیا نمی‌اندیشید؟

## مفهوم عقل در قرآن

عقل از جمله واژگانی است که در نظام‌های مختلف فکری، معانی و تعبیر مختلفی از آن شده است به طوری که به دست دادن معنایی واحد از آن که مورد توافق همه نحله‌های فکری و حتی دینی باشد، جز با چشم‌پوشی از برخی ویژگی‌ها و تقلیل معنایی، آن گونه که در مکتبی خاص از آن مراد می‌شود، ممکن نیست. در این میان، روشن‌ساختن معنای عقل در تعبیر قرآن از این قاعده مستثنا نیست و فهم معنای آن باید در چهارچوب کاربردهای قرآنی از این واژه صورت پذیرد. شاید یکی از ثمرات پیگیری معنای عقل در قرآن، کشف افق‌های جدید برای درک نسبت میان عقل و ایمان باشد. این نوشتار، مقدمه‌ای برای فهم معنای عقل در قرآن فراهم می‌آورد.

- Tj. De Boer and F. Rahman, *Apl*, in *EI2*, i, 341-2.  
 - W.C. Chitick and F. Rahman, *Aql*, in *Encyclopaedia iranica*, ii, 194-8.  
 - K. Cragg, *The mind of the Qurʾān. Chapters in reflection*, London 1973, 129-62 (esp. for la Yāllā).  
 - Van Ess, *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra. Eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam*, 6 vol., Berlin/New York 1991-7, (s.v. *ʿAql*, *Verstand* in Index).  
 - C. Gilliot, *Mythe et théologie. Calame et intellect, predestination et libre arbitre*, in *Arabica* 45 (1998), 151-92.  
 - Izutsu, *God and man in the Koran*, New York 1964, 65 f., 133 f., 231 f.  
 - N. Kermani, *Appelliert Gott an den Verstand? Eine Randbemerkung zum koranischen Begriff ʿAql und seiner Paret'schen Übersetzung*, in L. Edzard and C. Szyska (eds.), *Encounters of words and texts. Intercultural studies in honor of Stefan Wild*, Hildesheim/Zürich 1997, 43-66.  
 - A. von Kügelgen, *Averroes und die arabische Moderne. Ansätze zu einer Neubegründung des Rationalismus im Islam*, Leiden 1994 (s.v. *Vernunft, Verstand* in Index; esp. for the contemporary discussion).  
 - F. Rahman, *The philosophy of Mullā Nadrā*, Albany, NY 1975, 146-66, 232-46.  
 - F. Rosental, *Knowledge triumphant. The concept of Knowledge in medieval Islam*, Leiden 1970.  
 - T. Seidensticker, *Altarabisch 'Herz' und sein Wortfeld*, Wiesbaden 1992;  
 - M. Ullmann, *Arabisch Yasāʾ "vielleicht."* *Syntax und Wortart*, Munich 1984.  
 - این نوشته ترجمه‌ای است از: 'Intellect', in *Encyclopaedia of the Qurʾān*, ed. Jane Dammen McAuliffe, II, 547-549.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- بقره: ۷۵، ملک: ۱۰، عنکبوت: ۴۳.
- ۲- فصلت: ۵۳.
- ۳- برای مجموعه‌ای از این احادیث رک. غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۱، ص ۸۳-۸۹.

مفهوم خرد در روشنگری، این عمل (عقل) به خود ختم نمی‌شود؛ بلکه غرض و اکنشی است نسبت به نشانه‌ها برای کشف حقیقت، به عبارت دیگر ستایش خدا و ایمان به او. اینها پاسخ‌های مناسب انسان است وقتی با پیام خدا برای همگان مواجه می‌شود؛ پیامی که در نشانه‌ها تجلی یافته است.

واژه اسمی عقل در هیأتی نسبتاً متفاوت با مفهوم قرآنی‌اش در احادیث فراوانی دیده می‌شود، خصوصاً در روایاتی که غیر رسمی تلقی می‌شوند. در آنجا عقل در معنایی عام به کار رفته است که لزوماً به رابطه میان خدا و انسان اشاره ندارد<sup>(۱)</sup>؛ از این رو ارزیابی کلی از فهم عقلانی تنها بسر مبنای منابع پیشقرآنی ممکن است. باینکه خواست قرآن برای بصیرت انسان و تلاش برای تبیین (روشن سازی) - به معنای واقعی کلمه - مسلم است و آن چنان که در قرآن از جاهلیت به ضلالت و از خدا به نور تعبیر شده، اما در قرآن از عقل به عنوان قابلیت انسانی برای دستیابی به اقسام فهم به واسطه اندیشه و تأمل سخنی به میان نیامده است.

نقطه غزیمت فلسفه، کلام عرفان اسلامی مفهوم یونانی عقل (Nous) بوده و سپس هر یک محتوا، معنای و دلالات خاص خود از مفهوم عقل را بسط و تفصیل داده‌اند که تنها با مسامحه، با مفهوم قرآنی آن پیوند می‌خورد. به دنبال نهضت تجدید در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، عقل به سنگ بنای اصلاح‌طلبی و عقل‌گرایی دینی آدر جوامع اسلامی بدل شد. به همین سبب، امروزه رایج به عقل در میان مؤلفان مسلمان، تقریباً هر مسلکی که باشند، امری عادی شده است.

**ترجمه: سیدعلی آقایی**

**منابع:**

- ابو یزید، نصر حامد، *الاتجاه العقلي في التفسير*، درسه فی قضیه الجحار فی القرآن عند المعتزله، بیروت ۱۹۸۲.  
 - جرجانی، اسرار، ص ۲۲۶ به بعد.  
 - غزالی، ابو حامد محمد، *احیاء علوم‌الدین*، ۵، جلد ۲، مجلد، قاهره آی تا آج، ص ۸۳-۸۹ (برای مفهوم بسا قرآنی از عقل).  
 - محاسبی، ابوعلی حارث بن اسد، *العقل و فهم القرآن*، بیروت ۱۳۹۱/۱۹۷۱ (با مقدمه‌ای طولانی از قوطلی، ص ۹۵-۱۹۲).

- J. Arberry, *Revelation and reason in Islam. The Forwood lectures for 1956. Delivered in the University of Liverpool*, London 1957.  
 - M. Arkoun, *Pour une critique de la raison islamique*, Paris 1984, 65-99.

پی‌دربی آمده‌اند. نخستین تعبیر از این چهار آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» حقیقتاً در آن نشانه‌هایی هست برای کسانی که می‌اندیشند» است. در آیات بعدی، نشانه‌هایی «برای کسانی که عالم‌اند»، «برای کسانی که گوش می‌دهند» (لقوم یسمعون) و دست‌آخر نشانه‌هایی «برای کسانی که می‌فهمند» (لقوم یعقلون) ذکر شده‌اند. در اینجا، این چهار تعبیر مترادف نیستند بلکه بسر راه‌های متفاوت دستیابی به فهم دلالت دارند؛ اعم از عقلی (تفکر) و حسی (تسمیع) و نهایتاً عقل که متضمن همه موارد پیش گفته است. نه اینجا و نه هیچ‌جای دیگر در قرآن، اصطلاح «عالمون» به کسانی که علم بسیار اندوخته‌اند یا خیلی زیاد فرا گرفته‌اند، اشاره ندارد بلکه برعکس مقصود کسانی هستند که از بصیرت دینی ممتازی برخوردارند که گاه از آنها به اولوالالباب نیز تعبیر شده است. تفاوت میان دو حوزه معنایی عقل و علم این است که دومی می‌تواند درباره خدا نیز به کار رود، چنان که گفته می‌شود خدا «می‌داند» (علم) اما عقل تنها به فعلی انسانی اطلاق می‌شود که عبارت است از درک نشانه‌های الهی.

بنابر آموز‌های قرآنی، امکان فهم حقیقت خدا به واسطه فراهمین قابل فهم و حقایق آشکار و بدیهی، وجود دارد و حتی همه انسان‌ها می‌توانند در راه روشنی درک کنند که این خود تأییدی بر روشن بودن نشانه‌هاست. پس کفر در وهله نخست ناشی از فقدان قوه عقلانی و درک نیست بلکه کافران قادر نیستند نشانه‌ها را «در جهان و در خود»<sup>(۲)</sup> ببینند و دریابند. خدا نشانه‌ها را قرار داده است ولی این به فرد بستگی دارد که آنها را بشناسد و هدایتشان را بپذیرد؛ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ بسا که حضور علی‌الظاهر بی‌مناسبت لعل (شاید) - یکی از متداول‌ترین ادوات با معنای وجهی در قرآن - در این آیه، حکایت از همین امر داشته باشد. این «حرف مشبیه بالفعل» نه فقط به دلایل سبک‌شناختی، جایگاه خاصی در جهان‌بینی معناشناختی قرآن دارد، لعل (همچون واژه غسی)، به‌طور ضمنی بر معنای «خواستار... بودن» نیز دلالت دارد و ناظر به مسؤلیت خود شخص است؛ یعنی اینکه او بخواهد در ضلالت باقی بماند.

بنابراین فعل عقل در ارتباط میان خدا و نوع بشر کارکردی ویژه و جدی دارد در حالی که واژگانی چون شکر، فقه، یا فکر هم که به حوزه «فهم» درک و اندیشه، مربوطند، در دیگر سیاق‌های قرآنی نیز به کار رفته‌اند. عملی که در قرآن از آن به عقل تعبیر شده است، صرفاً با نشانه‌های خدا پیوند می‌خورد. بر خلاف

### نوید کرمانی

عقل در مقابل احساسات یا تمایلات، به قوه یا استعدادی اطلاق می‌شود که انسان‌ها به واسطه آن جهان را دریافته و می‌فهمند. چه بسا مفهوم عقل یکی از بحث‌انگیزترین مسائل در تاریخ اندیشه اسلامی باشد. خود واژه عقل در قرآن نیامده اما ریشه «عقل» ۴۹ بار و همواره به صورت فعل ثلاثی مجرد (عقل یعقل) به معنای «فهمیدن، دریافتن» به کار رفته است. دیگر معنای فعل عقل، نظیر «بستن پای شتر»، «بازداشتن»، «پرداختن خون‌بها» در قرآن یافت نمی‌شود. در همه نمونه‌ها به جز سه مورد<sup>(۱)</sup>، این فعل به صورت جمع مذکر غایب یا مخاطب و معمولاً در سیاق نکتهدهن به کار رفته است؛ مانند: «فَلَا تَعْقِلُونَ، وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ یافای ذلک آیات لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ. فرایند شناختی که از آن با فعل عقل تعبیر می‌شود، اساساً بر توانایی انسان‌ها بر درک، تأمل و سنجش حقایق آشکار استوار است. این معنای عقل با مفهوم این واژه در شعر جاهلی قرابتی نزدیک دارد. اما در تعداد قابل توجهی از آیات، فعل عقل با حواس پیوند خورده است. این واژه در بیشتر موارد، رابطه‌ای مستقیم با حواس و قلب دارد که در معناشناسی قرآنی نه جایگاه احساسات و عواطف بل ابزار درک و فهم است. فعل عقل در قرآن به مثابه فرایند شناختی که به ایمان (باور) می‌انجامد، دریافت حسی و درک قلبی را در برمی‌گیرد و به هر روی مبتنی بر به کارگیری حواس است. بنابراین عقل هیچ رابطه‌ای با مفهوم نوین خرد ندارد که به قابلیت کسب علم از طریق اندیشه و تأمل ذهنی و جدای از دانسته‌های حاصل از دریافته‌های حسی، مانند صداها، بوها، کنش‌های دیداری یا المسی، اطلاق می‌شود.

جمله‌های گوناگون فهم در قرآن، بسابه عبارت دیگر، سیاق‌های مختلفی که ریشه «عقل» در آنها به کار رفته است، همگی بخشی از مفهوم قرآنی آیه (نشانه) اند. در جهان‌بینی قرآنی، همه مخلوقات آیه، یعنی نشانه‌ای از خدا هستند. طبیعت جوان تمدن، تاریخ بشریت و کتاب‌های آسمانی، شور و شغف عشق و لذت خوردن و هر چه که در جهان هستی و روی زمین هست و رخ می‌دهد، وحی الهی به انسان است. خدا به واسطه نشانه‌های خویش با انسان سخن می‌گوید؛ آنها که گفتاری‌اند در کتاب‌های وحی و گونه‌های غیر گفتاری در خود جهان تجلی یافته‌اند. عمل تفسیر آیات در قرآن عقل خوانده شده است که راه‌ها و ابزارهای انجام این کار همچون خود نشانه‌ها، متنوع و متکثرند؛ مثلاً در آیات ۲۴-۲۶ سوره روم چهار گونه مختلف از نحوه تعبیر شناخت نشانه‌ها،